

طبیعت همانند بیماری جسمانی در برابر ضعف اخلاقی واکنش نشان می‌دهد. زمانی که بر دامنه خطر افزوده می‌شود، به همان نسبت بر میزان شهادت فرد نیز افزوده می‌گردد.

تفاوت دو خروج



نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق، بیست و پنج سال پیش، افغانستان را ترک کردند و سربازان امریکایی نیز بعد از طولانی‌ترین جنگ ایالات متحده در خارج از این کشور، در پایان سال روان میلادی، دوباره به خانه بر می‌گردند.

اما درحالی‌که سربازان امریکایی برای خروج از افغانستان آماده‌گی می‌گیرند، این هراس به قوت خود باقی است که مبادا افغانستان به وضعیت بعد از خروج نیروهای نظامی شوروی وقت دچار شود.

مایکل اوهانلون، تحلیلگر در انستیتوت پژوهشی بروکنگز می‌گوید هیچ شباهتی بین آن خروج و این خروج وجود ندارد.

آقای اوهانلون می‌گوید:...

ادامه صفحه ۷

دوام نظام کنونی را می‌خواهم

عبدالقیوم کرزی:



شبهه ۶

کمیسیون شکایات انتخاباتی:

چهار نامزد ریاست جمهوری تخطی کرده‌اند

پولیس برای کمپاین استفاده کرده است: «هدف از رنجر دادن این است که امنیت نامزدان را تامین کند، نه این که برای مسایل انتخاباتی استفاده کند. رنجر بسیار تعریف شده است و نباید برای کمپاین از آن استفاده شود و ما به آقای سیاف به توصیه و اقدام اصلاحی دست می‌زنیم».

اما فهیم کوهدامنی، یکی از سخنگویان ستاد انتخاباتی آقای سیاف می‌گوید که این رنجر پولیس یا توسط دوستان و یا مخالفان آقای...
ادامه صفحه ۷

ریاست جمهوری در رابطه با استفاده از امکانات دولتی، کمپاین کارمندان دولت برای نامزدان و رفتار غیرقانونی با خبرنگاران دریافت کرده است.

عبدالستار سعادت، رئیس کمیسیون شکایات انتخاباتی روز شنبه (۲۶ دلو ۱۳۹۲) در یک کنفرانس خبری در کابل گفت عبدالرب رسول سیاف از موترهای



کمیسیون شکایات انتخاباتی افغانستان می‌گوید شکایتهایی را درباره چهار نامزد انتخابات

در برگ ها



تبا
رشناسی
معنای
پول

مشهورترین و
تأثیرگذارترین
نویسنده‌گان
تاریخ ادبیات



محمد قاسم دانش بختیاری در کنفرانس

اجندای ملی:

به طرح اجندای ملی ارج بگذاریم



من قبل از این که به صفت رییس پالیسی ریاست جمهوری صحبت کنم، خود را مربوط به دوره‌های پُرافتخار جهاد و مقاومت مردم افغانستان می‌دانم و (به خاطر تعلق به...
ادامه صفحه ۷

سیمینار علمی - تحقیقی ایجاد دولت وحدت ملی و روند تقویت دولت - ملت سازی در کشور

د ملی اجنڈا کنفرانس، په افغانستان کې د ملي يووالي د دولت د رامنځته کېدو پر اړتيا د بحث او افکارو د تبادلې لپاره، په هېواد کې د ملي يووالي د دولت رامنځته کېدل او د دولت - ملت جوړونې د پياوړتيا تر عنوان لاندې، د افغانستان د چارو د کارپوهانو او د ولسمشرۍ د محترمو نوماندو په ګډون غواړي عملي - څېړنيز سيمينار جوړ کړي.

په دې سيمينار کې وړاندې کېدونکي مسایل، د ۲۰۱۴ کال د ټاکنو په پايله کې، د ملي اجنڈا د طرحې له مخې د دولتي چارواکيو د ملي ژمنې رامنځته کېدل. په دې سيمينار کې ستاسو ګډون به، ياد سيمينار لا غني کړي.



به این شماره ها تماس
بگیرید
۰۷۸۶۲۰۱۲۰۱

کنفرانس آجنڈای ملی به منظور بحث و تبادل افکار پیرامون ضرورت ایجاد دولت وحدت ملی سیمینار علمی - تحقیقی را با نام (ایجاد دولت وحدت ملی و روند تقویت دولت - ملت سازی در کشور) با اشتراک صاحب نظران امور سیاسی و نماینده گان کاندیدا های محترم ریاست جمهوری، برگزار می نماید.

داده های این سیمینار در چارچوب آجنڈای ملی، تسهیل کننده تعهد ملی دولت مردان افغانستان در فرایند انتخابات ۲۰۱۴ خواهد بود. حضور شما در این سیمینار، بر غنای آن می افزاید.

احمد عمران

برداشت‌های ناقص از طرح اجندای ملی



سخن ماندگار

۲۶ دلو و پایان کار

دو رییس جمهور

۲۵ سال از خروج نیروهای شوروی سابق از افغانستان گذشت. از سر تقدیر و اتفاق، خاطره این خروج زمانی به یاد می‌آید که خروج نیروهای جامعه جهانی از افغانستان نیز در شرف وقوع است. گاهی رسانه‌ها از این دو خروج یادآوری کرده‌اند و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را نیز پیرامون این دو رویداد سنجیده‌اند؛ اما آن چیزی که در این بحث بسیار قابل توجه است، رفتارهای سیاسی آقای کرزی با همان موضع‌گیری‌هایی است که داکتر نجیب در اواخر حکومتش در برابر کریم‌لین از خود نشان داده بود.

جدای از این که حضور دو ابرقدرت جهانی (شوروی پیشین و ایالات متحده) در افغانستان کاملاً متفاوت است؛ اما در طول دوازده سال گذشته، مخالفان نظام کنونی از جمله طالبان و حکمتیار، همواره این دو حضور را اشغال دانسته‌اند که هرگز به‌جا نبوده است. تفاوت نخست در مبارزات برحق مردم افغانستان در هنگام جهاد است که برای پایان تجاوز و اشغالگری، جان‌های شیرین خود را قربان می‌کردند. تفاوت دیگر، نحوه ورود نیروهای شوروی است که بدون در نظر داشت مردم افغانستان و به درخواست حاکمیت وقت، صورت گرفته بود. هم‌چنین، ورود نیروهای شوروی بدون در نظر داشت نورم‌ها و قوانین بین‌المللی بود. به معنای دیگر، سازمان ملل با حضور نیروهای شوروی، هرگز موافق نبود و این خود می‌تواند اشغال شمرده شود و همین‌گونه ده‌ها مسأله دیگر که کاملاً تجاوز آشکار شوروی بر افغانستان را مستدل می‌سازد. بنابراین، میان حضور نیروهای شوروی در افغانستان و نیروهای جامعه جهانی، هیچ شباهتی وجود ندارد.

اما مسلماً میان موضع‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی آقای کرزی و آخرین مهره حاکمیت حزب خلق و پرچم در افغانستان (داکتر نجیب‌الله)، شباهت‌های آشکاری وجود دارد. یکی از رفتارهای سیاسی داکتر نجیب، اعلام مشی مصالحه ملی بود که پس از خروج نیروهای شوروی برای توجیه حکومت خودش روی دست گرفت. او می‌خواست با اعلام این مصالحه، نیروهای مجاهدین را به سوی خود بکشاند و حاکمیت خود را قانونی جلوه داده و ابقا سازد. رفتار آقای کرزی نیز دقیقاً در همین جهت است.

گشودن باب مذاکره صلح با طالبان، برای جلب توجه و ساختن یک پایگاه قدرت در میان آن‌هاست. آقای کرزی تلاش‌هایش را در جهت کشیدن پای طالبان به مذاکره، نه برای آن به خرج داد که واقعاً طرفدار صلح است؛ بل این سیاست را برای آن روی دست گرفته که به نحوی شورشیان را با خود همراه کند و در آینده بتواند نقش پررنگی در بازی‌های سیاسی داشته باشد. ورنه همه می‌دانند که رهایی زندانیان جنگ‌جو و شورشی، کمکی به صلح نمی‌کند.

نکته دیگر دهن‌کچی‌هایی است که داکتر نجیب به ولی‌نعمتش (حکومت شوروی سابق) روا داشت. داکتر نجیب نیز در سخنرانی‌های سال‌های پایانی حکومتش می‌گفت که شوروی تجاوز کرده بود و اینک بر اثر سعی و تلاش حکومت، از افغانستان خارج شده است؛ پس باید مجاهدین او را به عنوان منجی افغانستان بشناسند و با او بیعت کنند. اینک آقای کرزی نیز چنین رفتاری را پیشه کرده است. محدود کردن عملیات‌های نیروهای جامعه جهانی، امضا نکردن پیمان امنیتی با ایالات متحده و لفاظی‌های تندوتیز دیپلماتیک توسط وی، همه و همه ریشه در آن دارد که می‌خواهد طالبان به وی به چشم یک منجی نگاه کنند و به ندای دادخواهی او لبیک گویند.

اکنون پرسش اصلی آن است که آیا رییس‌جمهور کرزی خواهد توانست مثل داکتر نجیب حداقل دو سال - آن‌گونه که داکتر نجیب حکومتش را سر پا نگه داشت - نظام کنونی را بدون کمک جامعه جهانی و حضور فعال طالبان، سر پا نگه دارد؟!

پاسخ این پرسش، منفی است. زیرا همان‌گونه که شرایط این دو حضور فرق می‌کند، نتایج این دو موضع‌گیری هم متفاوت خواهد بود؛ به گونه‌ای که آقای کرزی حتی یک روز هم بدون جامعه جهانی، نظام کنونی را سر پا نگه داشته نخواهد توانست.

هرچند آقای کرزی پس از انتخابات، مأموریتش پایان می‌یابد؛ اما به یقین که این بحران، حکومت آینده را به مشکلات زیادی سردچار خواهد ساخت.

اشرف‌غنی احمدزی با برداشت ناقص از طرح ایجاد نهاد ریاست‌جمهوری، آن را بخشی از پیکارهای انتخاباتی خود کرده است و بدون آنکه امانت‌داری را در این رابطه رعایت کند و دست‌کم بگوید که طراح این بحث در کشور کی بوده، آن را به نام خود سکه زده است. این‌گونه برداشت‌های نادرست از یک نظریه آن‌هم از جانب فردی که خود ادعای اندیشه‌ورزی دارد، می‌تواند به نتایج فاجعه‌باری منجر شود. نخست این‌که جانب اخلاق را که در مباحث تیوریک بسیار حایز اهمیت است، رعایت نکرده و دوم این‌که احتمال دارد برداشت نادرست از یک طرح، کشور را به بحران‌های تازه‌تری مبتلا سازد

نادرست از یک نظریه آن‌هم از جانب فردی که خود ادعای اندیشه‌ورزی دارد، می‌تواند به نتایج فاجعه‌باری منجر شود. نخست این‌که جانب اخلاق را که در مباحث تیوریک بسیار حایز اهمیت است، رعایت نکرده و دوم این‌که احتمال دارد برداشت نادرست از یک طرح، کشور را به بحران‌های تازه‌تری مبتلا سازد.

مگر بارها شاهد نبوده‌ایم که به دلیل برداشت‌های نادرست از تیوری‌ها و نظریه‌های غربی، چه‌گونه کشور به سمت هلاکت سوق یافته است؟ حالا هم بسیار احتمال دارد که چنین اتفاقی بیفتد، آن‌هم به این شرط که آقای احمدزی در انتخابات پیش رو سکه پیروزی را به نام خود ضرب زند و از همه مهم‌تر این‌که به وعده‌های انتخاباتی خود وفادار باشد.

هنوز این دو امر اتفاق نیفتاده و زیاد باعث نگرانی هم بوده نمی‌تواند؛ ولی استفاده ابزاری از طرح و برنامه دیگران سبب می‌شود که سترونی در عرصه اندیشه‌ورزی در کشور هم‌چنان به عنوان معضل باقی بماند.

جامعه متفکر، بدون تردید جامعه متشکر است، آن‌هم به دلیل تضارب آرا و اندیشه‌هایی که می‌توانند ایجاد و آرایه شوند. زمانی مارتین هایدگر فیلسوف معروف می‌گفت که «پرسش، پارسیابی اندیشه است». وقتی افرادی به دلیل پرسش‌هایی که دارند می‌اندیشند، پس حق مالکیت بر آن اندیشه را خواهند داشت؛ همان‌گونه که فردی حق دارد چیزهایی مثل زمین و خانه را در تملک خود داشته باشد، اندیشه‌ها نیز از این حیثه بیرون نیستند. اندیشه‌ها مالکان خود را دارند و بسیار عادلانه است که این حق را همواره رعایت کنیم، آن‌هم زمانی که می‌خواهیم به عنوان زعیم و رهبر یک کشور خود را در کرسی ریاست‌جمهوری آن ببینیم.



داریم. گاهی زیاد مهم نیست که این اندیشه را کی مطرح کرده است و کی آمده تا سنگ بنای خیر را در این کشور پی بریزد. ولی گاهی به دلیل سوءاستفاده‌های ابزاری از یک طرح، برنامه و اندیشه، باید صدای خود را بلند کرد و وامداران آن را متوجه کرد.

طرح ایجاد نهاد ریاست‌جمهوری، برای نخستین‌بار در کشور از سوی احمدولی مسعود رییس بنیاد شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور، در قالب برنامه اجندای ملی مطرح شد. آقای مسعود با توجه به وضعیت سیاسی و استراتژیک افغانستان، این بحث را ضمیمه طرح ایجاد دولت وحدت ملی کرده و به نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری پیشکش کرده است. آقای مسعود باور دارد که حل مشکل افغانستان، از طریق ایجاد دولت وحدت ملی و نهاد ریاست‌جمهوری ممکن است. اما حالا بخشی از این طرح، از زبان یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری کشور بیرون شده است. اشرف‌غنی احمدزی با برداشت ناقص از طرح ایجاد نهاد ریاست‌جمهوری، آن را بخشی از پیکارهای انتخاباتی خود کرده است و بدون آن‌که امانت‌داری را در این رابطه رعایت کند و دست‌کم بگوید که طراح این بحث در کشور کی بوده، آن را به نام خود سکه زده است. این‌گونه برداشت‌های

همواره معضل جوامع عقب نگه‌داشته‌شده این بوده است که کمتر وارد ساحت اندیشه‌ورزی شده و به مشکلات خود نگاه علمی داشته‌اند. این معضل به شکل حادثه آن در افغانستان به دلیل جنگ‌های دوام‌دار و بلند بودن سطح بی‌سوادی، بیشتر چشم‌گیر بوده است. اگر زمانی هم طرح و سخن اندیشه‌ورزانه‌یی از سوی اقلیت نخبه‌گان کشور ارایه می‌شود، به‌زودی در دام کج‌فهمی و یا هم برداشت‌های ناقص و غیردقیق می‌افتد.

اظهارات اخیر اشرف‌غنی احمدزی نامزد ریاست‌جمهوری کشور، از این نوع برداشت‌ها می‌تواند باشد. آقای احمدزی اخیراً به منظور جلب توجه بیشتر و گویا پیکارهای انتخاباتی، در صورت پیروزی در انتخابات از ایجاد نهاد ریاست‌جمهوری خبر داده است؛ نهادی که متشکل از نمایندگان مردم می‌تواند باشد و به رییس‌جمهوری در کار سامان‌دهی و ایجاد نظم در امور کشوری می‌تواند مشوره دهد. ایجاد چنین نهادی بدون تردید برای ریاست‌جمهوری کشور می‌تواند از ضروریات پنداشته شود. آن‌هم با توجه به این موضوع که در قانون اساسی کشور صلاحیت‌های رییس‌جمهوری بیشتر از آن چیزی است که باید در یک نظام دموکراتیک در نظر گرفته شود.

در طول یک دهه گذشته شاهد بودیم که داشتن این‌گونه صلاحیت‌ها نه‌تنها نظام را به سمت تحکیم ارزش‌های مردم‌سالارانه سوق نداد، بل به تک‌محوری شدن و به گونه‌یی استبدادی شدن قدرت نظام انجامید. ولی مهم این است که «چه‌گونه می‌شود نظام را بیشتر به ارزش‌های دموکراتیک مبتنی کرد؟»

در این رابطه نمی‌شود تنها به الگوبرداری از دیگران اکتفا ورزید. برای رسیدن به چنین هدفی، نیاز به تفکر و تحلیل منطقی داریم. باید نشان داد که چه‌گونه کشوری مثل افغانستان را با تمام ویژه‌گی‌های بومی و اتنیکی آن می‌توان به کشوری با معیارهای مردم‌سالارانه مبدل کرد.

فراموش نکنیم که استبداد در ذهنیت عمومی رخنه کرده است و به‌ساده‌گی نمی‌توان از شر آن نجات یافت. استبداد در کمین نشسته و تلاش می‌کند که ما را هم‌چنان به عنوان برده‌گان خود در اختیار داشته باشد. به همین دلیل، ما در عرصه مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نیاز به تفکر و اندیشه

نیکولای پترو - نشنال اینترست

جنگ فرهنگی اوکراین

گرفتن قدرت می‌داند. بهترین راهکار این است که به جای تلاش برای برنده کردن یک نفر در اوضاع بحرانی اوکراین، راهبرد حمایت از روند مصالحه در پیش گرفته شود. اگر شرایط عادی بود، پارلمان با استفاده از قانون اساسی چنین روندی را صورت می‌داد اما در شرایطی که اپوزیسیون در کار پارلمان خدشه ایجاد کرده و حتی مشروعیت قانون اساسی را نیز زیر سوال می‌برد، بهتر است که برای طرح یک جدول زمانی و ایجاد ترتیباتی جدید، یک مجمع فوق‌العاده تشکیل شود. این مجمع می‌تواند یک زمسکی سوبور (شورای سرزمین) باشد که در تاریخ اوکراین و روسیه نیز شناخته شده است. هیات‌های حاضر در این مجمع باید برای اشخاص عمومی و نمایندگان هر ناحیه اوکراین احترام قائل باشند. چنین رویه صلحی اگر با حمایت غیرمشروط بین‌المللی، فارغ از نتیجه آن همراه باشد به موفقیت بیشتری دست پیدا خواهد کرد. اگر روسیه و اتحادیه اروپا به طور مشترک چنین رویه‌ای را در پیش گیرند، نمی‌توان آن را به راحتی رد کرد.



اما حتی در صورت حل بحران سیاسی کنونی، هراس از ادامه شکاف فرهنگی در هویت اوکراین ادامه خواهد داشت. این مشکل نیز باید حل شود. تا وقتی که ساکنان غرب اوکراین برتری زبان و فرهنگ روسی در کشورشان را به جای مصالحه، به عنوان تسلیم، تفسیر می‌کنند، این مشکل در فضای اجتماعی و سیاسی اوکراین وجود خواهد داشت. اما این اوکراینی‌ها باید به این نکته هم توجه کنند که هموطنان شرق‌نشین آنها از حذف زبان و فرهنگ روسی از کشورشان هراس دارند. راه حلی که برای چنین شرایطی مناسب به نظر می‌رسد و در کشورهای همچون اسپانیا، بلژیک و کانادا نیز متمرث شده است، پذیرش هویت‌هایی چندگانه فرهنگی است که تحت هویت یک ملت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. این به معنای دست برداشتن از ۲۰ سال استفاده از زبان اوکراینی در مدارس و رسانه‌های اوکراین است که غرب‌نشینان آن را دفاع از فرهنگ خود تفسیر می‌کنند و در مقابل آن نیز ساکنان جنوب و شرق اوکراین از هر سیاستمداری که به آنها تعهد دهد که برای تکلم به زبان روسی آزاد خواهند بود، حمایت می‌کنند. یک راه دیگر نیز این است که فرهنگ دو زبانی بودن را از سطح ناحیه‌یی، به سطح ملی گسترش دهند که به اتحاد ملی نیز کمک خواهد کرد. مساوی انگاشتن هر دو زبان، حق ساکنان شرق و جنوب اوکراین را برای حفظ هویت فرهنگی خود، محترم خواهد شمرد. اوکراین می‌تواند در این زمینه از کانادا الگوبرداری کند. زبان‌های محلی به طور نامتقارن در این کشور پخش شده‌اند. زبان رسمی بیشتر استان‌های کانادا انگلیسی است اما آنها خدماتی را نیز به زبان فرانسوی ارائه می‌دهند. همچنین استان کبک که زبان رسمی آن فرانسوی است، خدماتی را به زبان انگلیسی نیز ارائه می‌دهد. تنها دو استان در کانادا به طور رسمی دو زبانه هستند با این حال دو زبانه بودن رسمی در کشور، تساوای دسترسی مردم به خدمات مهم فدرالی را تضمین کرده و اتحاد ملی را نیز حفظ می‌کند. اما هیچ یک از این راهکارها، بحران سیاسی کنونی اوکراین را به سرعت حل نخواهد کرد. باید بدانیم وقتی که یک مشکل از فرهنگ نشأت گرفته باشد، هیچ راه حل فوری سیاسی برای آن وجود ندارد. تا هنگامی که موضوع هویت ملی به گونه‌ای که مورد قبول هر دو طرف مخالف در اوکراین باشد، حل و فصل نشود، چنین بحران‌های سیاسی، وجود خواهد داشت. به دلیل شرایط تاریخی، اوکراین مدرن نه کاملاً غربی است و نه کاملاً شرقی. اما احتمالاً بهترین نوع از هر دو فرهنگ را در خود جای داده است. ممکن است بحران فعلی اوکراین باعث افزایش شکاف فرهنگی بین اروپا و روسیه شود و یا اینکه در نهایت زخم‌های خود را التیام بخشیده و به این جدایی‌ها پایان دهد.

زبان روسی منتشر شده و ۷۲ درصد از برنامه‌های تلویزیونی نیز با زبان روسی پخش می‌شوند. از نظر ساکنان غرب اوکراین، مشکل بزرگتر این است که این فرهنگ «روس زده» در اینترنت اوکراین نیز به تدریج تقویت می‌شود. طبق بررسی‌ها ۸۰٫۱ درصد از سایت‌های اینترنتی به زبان روسی، ۱۰٫۱ درصد به انگلیسی و تنها ۹٫۵ درصد به زبان اوکراینی فعالیت

می‌کنند. از تلاش‌های دولت اوکراین برای گسترش زبان این کشور نیز، اغلب به عنوان «روس‌هراسی» تعبیر شده و باعث نگرانی ساکنان در شرق و جنوب این کشور می‌شود. چنین نگرانی‌ای باعث واکنش شدید به انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ و قدرت گرفتن حزب «مناطق» یانوکویچ شد که اعلام کرد هر کسی می‌تواند با زبان مادری‌اش تکلم کند. از آن پس، هر طرف به جای حمایت از دولت، آن را ناکارآمد خواندند.

اما بدون شک هویت فرهنگی تنها چیزی نیست که باعث عدم رضایت عمومی شده است. حمایت واضح دولت از کبی‌های طبقه متوسط جامعه که با فساد و رابطه گرایی در میان خویشاوندان خود همراه بود نیز از دلایل مهم ادامه اعتراضات است. اما این موضوع، نقش هویت فرهنگی را کم‌رنگ نمی‌کند. نتیجه نهایی چنین مشکلاتی، قدرت گرفتن نیروهای ملی‌گرای غیردموکراتیک است که علی‌رغم تعداد کم، اکنون کنترل خیابان‌های کیف را در دست گرفته و اعمال خشونت می‌کنند.

این گروه‌ها اکنون تحت عنوان «بخش راست» فعالیت کرده و رهبر آنها سوسیالیسم، دموکراسی لیبرال، آنتیسم (کفرگرایی) و جهان‌شهرگرایی را رد می‌کند. آنها ایجاد یک نظام مشورتی ملی را که به جای احزاب سیاسی، ترتیباتی ملی برای به رسمیت شناختن ایده اوکراین ملی بیانیدند را ترجیح می‌دهند. خواسته آنها در درگیری‌ها، یک «انقلاب ملی» است و تهدید کرده‌اند که در غیر این صورت یک مبارزه چریکی درازمدت در پی خواهد بود.

اکنون غرب چگونه باید این شرایط پیچیده سیاسی و فرهنگی را در اوکراین هدایت کند؟ در حال حاضر غرب از اپوزیسیون سیاسی یا به طور دقیقتر، میان‌روترین شاخه آن به رهبری ویتالی کلیچکو حمایت می‌کند. آنها امیدوارند که کلیچکو معترضان میان‌رو را به عدم حمایت از اعمال خشونت‌بار ملی‌گراها برای سرنگونی دولت، ترغیب کند، هر چند که وی تاکنون در این مسیر ناکام بوده است.

خوشبینانه‌ترین تفسیر از هدف غرب این است که با حمایت از یک طرف درگیر، امیدوار باشد تا افراطی‌ها تضعیف شده و کلیچکو توان لازم را برای ایجاد دولتی از اتحاد ملی به دست آورد. در این صورت است که آمریکا و اتحادیه اروپا به اجرای یک طرح مارشال (طرح بازایی اروپا توسط آمریکا پس از جنگ جهانی دوم) در قبال اوکراین روی خواهند آورد.

مشکل اصلی این روش این است که اپوزیسیون سیاسی اوکراین همچنان دولت را اصلی‌ترین دشمن خود می‌دانند و حاضر نیستند برای کنترل خشونت‌های ملی‌گراها با دولت همراه شوند. کلیچکو هم اظهار کرده است که تحت هیچ شرایطی حاضر به همکاری با یانوکویچ نیست. او هم مانند دیگر رهبران اپوزیسیون سیاسی پارلمان اوکراین، ملی‌گراها را وسیله‌ای ناخواسته ولی ضروری برای به دست

هر کسی که حوادث اوکراین در ماه‌های اخیر را دنبال کرده باشد، بدون شک از رفتار عجیب رهبران سیاسی این کشور متعجب شده است. این اقدامات و رفتارهای عجیب هم از سوی دولت بوده و هم اپوزیسیون که به دنبال تضعیف حاکمیت دولت است.

دولت اوکراین با بی‌فیدی کامل مذاکرات با اتحادیه اروپا را در آستانه به ثمر نشستن رها کرده و بلافاصله به طور غیرمنتظره‌یی به عقد یک قرارداد اقتصادی با روسیه مبادرت ورزید.

این برای بسیاری از اوکراینی‌ها عجیب بود. در حالی که چیز دیگری را انتظار داشتند، به سرعت بر عکس آن به وقوع پیوست و اینگونه بود که اولین تظاهرات ضد دولتی در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ در کیف برگزار شد.

اما به پایان دسامبر که نزدیک شدیم، موضوع ادغام در اتحادیه اروپا دیگر بی‌اهمیت شده بود. جمعیت تظاهرکنندگان در کیف دیگر به یک اعتراض اکتفا نمی‌کردند بلکه در پی انقلاب ملی بودند. انقلابی که ملی‌گراهای افراطی که همیشه با ادغام در اتحادیه اروپا مخالف بوده‌اند آن را هدایت می‌کنند. این مخالفت به این دلیل است که از نظر آنها این اقدام

ملی‌گرایی اوکراین را کم‌رنگ کرده و این کشور را به یک «زندان سیاسی جهانی» تبدیل می‌کند و در نهایت در پایان جنوری سال جاری میلادی، خواسته همه جناح‌های اپوزیسیون سیاسی مشخص شد و آن تشکیل دولتی جدید به جای بازسازی موسسات سیاسی‌یی بود که در این کشور وجود دارد.

آرسنی یاتسینویک، یکی از رهبران مخالفان نیز پیشنهاد ایقا در سمت نخست‌وزیری را رد کرده و خطاب به ویکتور یانوکویچ گفت: ما چیزی را که آغاز کرده‌ایم به پایان خواهیم رساند. مردم تصمیم می‌گیرند که چه کسی رهبر آنها باشد نه تو. چنین رفتاری در فضای سیاسی غرب یک خودکشی محسوب می‌شود اما در فرهنگ سیاسی اوکراین، قابل توجه است.

این امر به این دلیل است که در اوکراین از نظام سیاسی، به عنوان عرصه‌ای برای برخورد و درگیری‌های عمیق و عمده استفاده می‌شود. بحران روز هر چه که باشد، از سیاست زبانی گرفته تا همکاری با اروپا یا اوراسیا و عضویت در ناتو، همیشه دو دیدگاه مختلف در قبال آن وجود دارد. این فرهنگ سیاسی از قرن نوزدهم تاکنون در جریان بوده است.

یکی از این دیدگاه‌ها در مناطق وولین، گالیسیا و پودولیا به دروغ اوکراین به وفور وجود دارد. این مناطق که سابقه روابطی پرتنش و طولانی با لهستان دارند، تحت تاثیر آن قرار گرفته و هویت مذهبی و فرهنگی جدیدی به خود گرفته‌اند. یکی از جوانب این میراث فرهنگی این است که این مناطق به دنبال ایجاد شخصیتی فرهنگی برای اوکراین هستند که نه تنها با فرهنگ روسیه اختلاف دارد بلکه کاملاً برخلاف آن است.

اما یک هویت کاملاً متفاوت بر شرق و جنوب اوکراین حاکم است. این ناحیه از نظر تاریخی با نام‌های اسلاوا ژانتینا، دونباس و نوواراسیا نامیده می‌شوند. مردم این ناحیه با نوعی هویت فرهنگی که مبتنی به رابطه دوستانه و گرم با روسیه است، موافقت. تمرکز این دو بخش اوکراین بر روسی یا عدم روسی بودن فرهنگشان، موجب شکست آنها در ایجاد اتحاد ملی و همکاری شده است و هر چند که زبان تنها موضوع مورد اختلاف نیست، اما به درگیری‌ها و نگرانی‌های آنها دامن می‌زند.

ساکنان غرب اوکراین به درستی درخصوص فرهنگ اوکراینی خود و اینکه ممکن است غالب نباشد، نگرانند.

تعداد اوکراینی‌هایی که در این کشور به زبان روسی تکلم می‌کنند، تقریباً دو برابر بیشتر از کسانی است که به زبان اوکراینی تکلم می‌کنند. تنها در یکی از ۱۰ شهر بزرگ اوکراین به نام «لویو» زبان اوکراینی بیشتر تکلم می‌شود. زبان روسی با اختلاف زیاد، زبان منتخب اکثریت برای آموزش، تجارت و فعالیت‌های سرگرمی است. یک بررسی که در سال ۲۰۱۲ صورت گرفت نشان داد که ۶۰ درصد از روزنامه‌ها، ۸۳ درصد از نشریات و ۸۷ درصد از کتاب‌ها در اوکراین به

اخضر ابراهیمی: هیأت دولت سوریه و مخالفان درباره سومین دور مذاکرات توافق کردند



نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه از موافقت دو هیأت دولت سوریه و مخالفان با حضور در سومین دور از کنفرانس مذاکرات ژنو ۲ خبر داد.

به گزارش شبکه تلویزیونی بی بی سی عربی، اخضر ابراهیمی در نشست خبری در پایان مذاکرات ژنو بین دو هیأت دولت سوریه و مخالفان گفت: من از هر دو طرف خواستم پیش از شرکت در دور بعدی مذاکرات، درباره مفید بودن مذاکرات فکر کنند.

ابراهیمی افزود: همه باید به فکر رنج ملت سوریه باشند و کمک به حل بحران باشند. هر دو طرف بحران باید به مسئولیت‌های خود عمل کنند. هر دو طرف باید به بیانیه کنفرانس ژنو یک پایبند باشند.

وی اعلام کرد: هیأت دو طرف دولت سوریه و مخالفان درباره برگزاری سومین دور این مذاکرات توافق کردند.

اخضر ابراهیمی گفت: هیأت دولت سوریه هنوز با دستور کار مذاکرات به ویژه اولویت بند مربوط به تشکیل دولت انتقالی موافقت نکرده است. به نظر می‌رسد هیأت دولت سوریه نمی‌خواهد درباره مسئله تشکیل دولت انتقالی که هیأت ائتلاف بر آن اصرار دارد، بحث کند.

اتهامات جدید علیه رییس جمهوری فرانسه



رییس جمهوری فرانسه به دلیل ادعاها مبنی بر اینکه وی از پول مالیات‌دهنده‌گان برای تامین زندگی اشرافی شیک سابقش استفاده کرده، با اقدامات قانونی مواجه است.

به نوشته روزنامه دیلی میل، فرانسوا اولاند، رییس‌جمهوری فرانسه همچنین ممکن است به دلیل اتهام تخلف مالیاتی مبنی بر عدم اعلام دارایی‌های مشترکش با والری تریوایر، شریک سابق زندگی‌اش نیز با اقدام قانونی دیگری مواجه شود.

این شکایت‌های غیر معمول توسط «خاویر کملین»، وارث ثروتمند فروشگاه زنجیره‌ای «کازینو» ارائه شده است. وی همچنین سال گذشته میلادی تلاش کرد تا تریوایر را به دادگاه احضار کند. وی مدعی شده که نباید به عنوان یک مالیات‌دهنده زندگی تریوایر را به عنوان معشوقه رییس جمهوری فرانسه تامین کند.

اما یکی از قضات مهمترین دادگاه مالی پاریس دستور داد که تریوایر به هیچ وجه نباید پاسخ این ادعا را بدهد. در حال حاضر کملین از دادستان‌ها خواسته تا به شکایت‌هایش علیه اولاند رسیدگی کنند.

کملین همچنین شکایت قانونی دیگری را علیه آنه هیدالگو، نامزد سوسیالیست شهرداری پاریس به راه انداخته و مدعی شده که وی مادر بچه نامشروع فرانسوا اولاند است؛ ادعایی که به گفته رسانه‌های فرانسوا کمالین به هیچ وجه قادر به اثبات آن نیست. یکی از سخنگویان قضایی فرانسه گفت: شکایت‌های کمالین به طور رسمی توسط پلیس تنظیم و به دادستان‌های پاریس تحویل داده شده است. آن‌ها در حال حاضر به ادعاهای کمالین رسیدگی می‌کنند اما هنوز مشخص نیست که آیا براساس این ادعاها دست به اقدامی خواهد زد یا خیر. کاخ الیزه هنوز درباره این مساله اظهارنظر نکرده است.

بخش نخست

وقتی سرفه مزمن می شود

سرفه از آن دست عوارضی است که معمولاً رهایی از آن به دنبال سرماخوردگی‌های ویروسی و میکروبی دشوار است. گرچه درمان این عارضه، طولانی‌تر از دیگر عوارض معمول سرماخوردگی است، اما در صورت افزایش زمان سرفه بیش از سه هفته و تداوم آن تا هشت هفته، باید علت مزمن شدن سرفه را پیگیری کرد.

البته نباید فراموش کرد برخی بیماری‌ها اصولاً با سرفه طولانی همراه است؛ بیماری‌هایی چون آسم، سینوزیت، آلرژی‌های فصلی، بازگشت غذا از مری به معده، تماس با دود سگرت، وجود جسم خارجی در ریه، نوعی نقص ایمنی، اختلالات و تومورهای ریه و مصرف بعضی از داروها.

اما به گفته متخصصین بیماری‌های عفونی، توجه به مزمن شدن سرفه و یافتن عامل آن در گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه کودکان بسیار اهمیت دارد؛ زیرا رهایی از سرفه ناشی از عفونت در کودکانی که به‌طور مکرر دچار عفونت‌های دستگاه تنفسی و سرفه حاد می‌شوند، به‌راحتی ممکن نخواهد بود.

پزشکان متخصص می‌گویند اگر این سرفه‌ها شدید و با مشکلات خواب و فعالیت‌های معمول زنده‌گی و تغذیه همراه نباشد و در طول زمان کاهش پیدا کند، می‌توان نسبت به آن نگرانی کمتری داشت؛ ولی با وجود این، بررسی مشکل در این دسته بیماران نیز پیشنهاد می‌شود. در بیمارانی که سرفه همراه با استفراغ یا خروج چرک غلیظ باشد، در طول شب تداوم یابد، با خروج خون از ریه همراه باشد و یا همراه با تب طولانی، عرق، کاهش وزن و اختلال تنفسی باشد، بررسی عوامل مؤثر در مزمن شدن سرفه ضروری است.

زمان لازم برای درمان سرفه‌های معمولی

در عفونت‌های معمولی دستگاه تنفسی، مدت زمان سرفه در حد ۱۰ تا ۱۴ روز بوده و کاهش شدت سرفه طی این مدت، نشانه بهبود و پاسخ به درمان است. به بیان دیگر، معمولاً مدت درمان حدود هفت تا ده روز است.

پس تداوم سرفه در چه شرایطی و با همراه شدن با چه عوارض دیگری، مزمن و خطرناک تلقی می‌شود؟

پزشکان می‌گویند: در صورت تشدید سرفه طی درمان، پاسخ ندادن به درمان دارویی، همراه شدن با تنگی نفس و تغییر صداهای تنفسی هنگام دم و بازدم، همراه شدن با تپش قلب شدید، ناتوانی در انجام فعالیت‌های فیزیکی، خروج خلط خونی هنگام سرفه، کاهش وزن و عرق شبانه همراه با سرفه، تب طولانی و کاهش شدید اشتها و ایجاد علائم دیگر مانند ضایعات جلدی و بزرگ شدن کبد و طحال و غدد لنفاوی؛ سرفه خطرناک تلقی می‌شود.

عواقب بی‌توجهی به درمان

گرچه عوارضی چون ایجاد درد در دیواره قفسه سینه و دیواره شکم، بی‌اختیاری ادرار و خسته‌گی همراه با سرفه از شیوع زیادی برخوردار است، اما بی‌توجهی به یافتن علت مزمن شدن سرفه و درمان آن می‌تواند عوارض بسیار خطرناک‌تری را برای بیمار به همراه داشته باشد.

پزشکان توضیح می‌دهند: بعضی وقت‌ها حملات سرفه می‌تواند سبب سنکوپ شود که این موضوع می‌تواند در اثر کاهش فشار داخل قفسه سینه و اختلال خون‌رسانی به قلب صورت پذیرد. حتی در صورت بروز سرفه‌های شدید و طولانی به‌دلیل افزایش فشار عروق وریدی ممکن است خونریزی‌های نقطه‌یی در ناحیه سر و صورت نیز رخ دهد. در برخی موارد نیز سرفه می‌تواند سبب شکسته‌گی دنده شود.

منبع: سلامت‌نیوز



بخش سوم

تبارشناسی معنای پول



شایسته مدنی

مارکس: قدرت پول انسان در تناسب معکوس با حجم تولیدات قرار می‌گیرد، بدین معنی که نیازهای او با افزایش قدرت پول افزایش می‌یابد. از این رو، نیاز به پول ناشی از نیاز حقیقی است که نظام جدید اقتصادی آن را آفریده است و این تنها نیازی است که این نظام به وجود می‌آورد. مقدار پول به طرز روزافزونی تبدیل به تنها ویژگی مهم آن می‌شود. پول به همان گونه که همه چیز را به شکل انتزاعی خودش کاهش می‌دهد، خود را نیز در روند حرکتی خود به چیزی کمی تحویل می‌نماید. افراط و میانه‌روی معیار حقیقی آن است (مارکس، ۱۳۸۶: ۳۳). پول تا آن‌جا که واحد خصیصه قدرت خرید و جذب و تملک همه چیز است، همان شی است که داشتن آن به‌غایت ارزشمند است. گسترده‌گی و جامعیت این خصیصه، اساس قدرت مطلقه پول است، از این‌روست که پول قادر محسوب می‌شود... پول دلال محبتی است میان نیاز و شیء، میان زنده‌گی و وسیله معاش انسان. ولی آنچه واسطه زنده‌گی من می‌شود، واسطه موجودیت دیگران برای من نیز می‌گردد. برای من پول همان دیگری است (مارکس، ۱۳۸۶: ۴۶). مارکس می‌نویسد: "آنچه من هستم و می‌توانم انجام دهم، به هیچ وجه تابع فردیت من نیست. من زشت‌رویم، اما می‌توانم با پول زیباترین زنان را برای خودم بخرم. در نتیجه من زشت نیستم... من احق‌م ولی از آن‌جا که پول هوش واقعی همه چیز است، چرا صاحبش بایستی احق باشد؟" (والزر، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

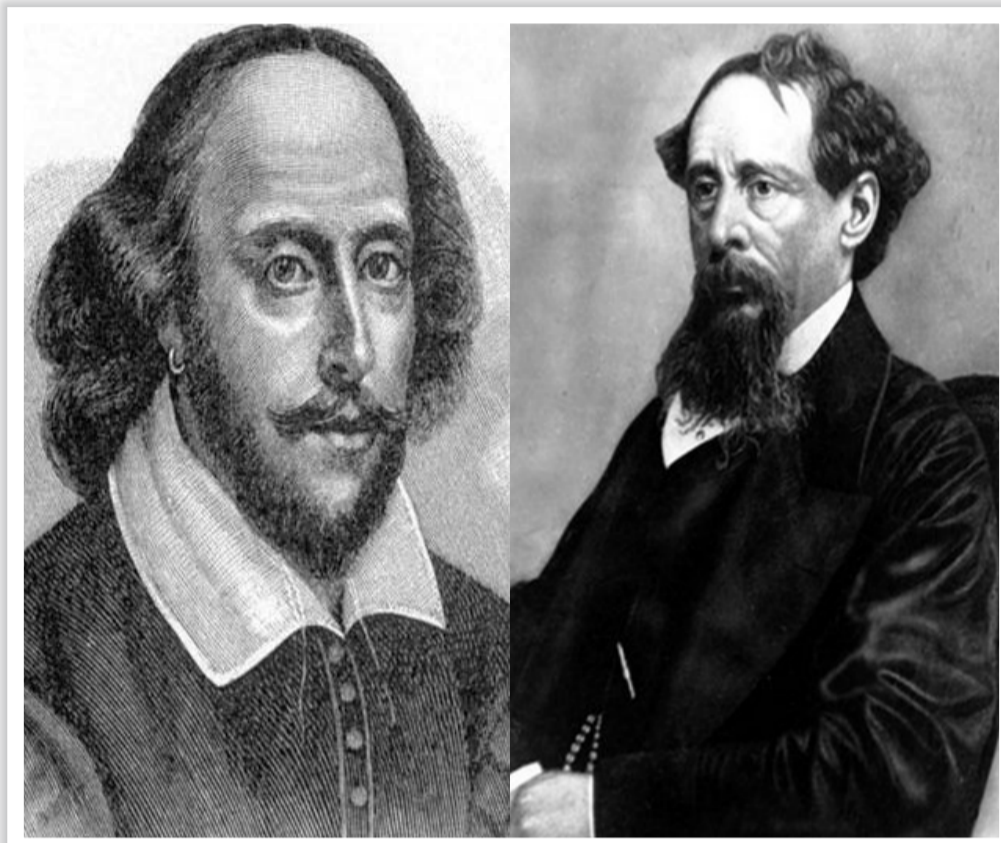
پول در ارتباط با فرد و آن روابط و قیود اجتماعی که مدعی‌اند فی‌نفسه اموری ذاتی و اساسی هستند، به عنوان قدرتی بازگون‌کننده ظاهر می‌شوند. پول یعنی قدرت و عامل شگفت که وفاداری را به خیانت، عشق را به نفرت، نفرت را به عشق، فضیلت را به خباثت و خباثت را به فضیلت، خدمتکار را به ارباب، ارباب را به خدمتکار، یاوه را به خرد و خرد را به یاوه بدل می‌کند. از آنجایی که پول به عنوان مفهوم پویا و زنده ارزش، همه چیز را آشفته و مبادله می‌کند، عامل مبادله و اغتشاش همه

چیز است، جهانی وارونه، اغتشاش و مبادله همه کیفیت‌های طبیعی و انسانی. پول برای کیفیت یا شیء بی‌خاص مبادله نمی‌شود یا برای هر یک از قدرت‌های اصلی و اساسی انسان؛ بلکه برای تمام دنیای عینی و واقعی انسان و طبیعت مبادله می‌گردد. اگر از دیدگاه شخصی که پول را در اختیار دارد نگاه کنیم، پول هر کیفیتی را با شیء یا کیفیت دیگر مبادله می‌کند، حتی اگر این کیفیت‌ها و اشیا متضاد باشند. پول قدرتی است که همه ناممکن‌ها را با هم جمع می‌کند و تناقضات را مجبور می‌کند که با هم گرد آیند. (مارکس، ۱۳۸۶: ۵۰ - ۵۱)

از دیدگاه فنی، پول "کارآمدترین" وسیله جهت محاسبات اقتصادی است. بدین معنا که ظاهراً عقلانی‌ترین وسیله در هدایت فعالیت اقتصادی است. بنابراین، محاسبه بر مبنای پول و نه استفاده واقعی از آن، ابزار ویژه‌گی جهت تمهیدات اقتصادی عقلایی است (ویر، ۱۳۸۴: ۱۳۵). وسایل مبادله یا وسایل پرداخت پولی را تا آن‌جا که به غیر از استفاده برای پرداخت و یا مبادله ارزش دیگری نداشته باشند، پول رایج می‌نامند. از سوی دیگر این وسایل تا آن‌جا که ارزش متأثر از مکان استفاده‌شان برای مقاصد دیگر باشد، وسایل مادی هستند. پول می‌تواند شامل سکه یا اسکناس باشد. اسکناس‌ها معمولاً بر اساس نظام مسکوکات تعیین می‌شوند و یا این‌که در طی زمان نام خود را از این نظام کسب می‌کنند. تا آن‌جا که فلز مورد استفاده برای ضرب پول، توسط صاحب آن بدون محدودیت ضرب شود، می‌توان سکه را "پول آزاد" و یا "پول بازاری" نامید. این بدین معناست که مقدار سکه انتشار یافته بر اساس تقاضای طرفین حاضر در بازار تعیین می‌شود. اگر انتشار سکه منوط به تصمیمات حاکمیت سیاسی بوده و سرانجام در جهت نیازهای مالی آن‌ها باشد، پول "محدود" و یا پول "اداری" نامیده می‌شود. اگر نوع و مقدار سکه - گرچه در سطح محدود - عملاً بر طبق ضوابط باشد، پول "تنظیم شده" نام دارد (ویر، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۲۱).

ارزش، ذخیره‌سازی آن و ابزاری برای پرداخت است. میان کالاهای پولی (گینه پارچه‌یی، شمش، آهن، دام و برده) و پول در معنای متعارف آن یعنی اسکناس، سکه‌ها، صدف‌ها (که جز به عنوان زینت‌آلات دارای ارزش مصرفی نیستند) باید تفکیک قایل شد. بازوبندها و گردنبندهای صدف که در مبادله کولا به کار برده می‌شوند، گاه با عنوان پول‌های آیینی مطرح می‌شوند. به هر رو، ویژه‌گی پول‌های ابتدایی، باقی ماندن یک پیوند عرفانی در آن‌ها نسبت به مالکان پی در پی یا طرف‌های مبادله و تبعیت آن‌ها از منطقی است که به ارزش‌های عام یک فرهنگ خاص ارجاع می‌دهد؛ قره‌نگی که در آن می‌توان شاهد پذیرش هم‌زمان چندین گونه پولی و در عین حال تداوم کنترل جامعه بر محصولات کار خود بود. در این حالت، مبادله در جهت سود اقتصادی انجام نمی‌گیرد، و این درست برعکس مبادله تجاری است که در آن فروش مجدد با هدف دست‌یابی به سود و انباشت سرمایه به انجام می‌رسد. خارج کردن کالا از دست تولیدکننده آن در یک اقتصاد چند مرکزی، به معنی شخصیت‌زدایی از آن کالا است، درست مثل یک اندام زنده که در بازارهای مدرن به فروش می‌رسند. در حالی که مبادله انگشتر نامزدی یا گردن‌بند کولا که در حالتی عاطفی انجام می‌گیرد، سبب پیوند با طرف مقابل می‌شود و به مثابه شیء بی‌خاطره‌انگیز از یک رویداد باقی می‌ماند (ریور، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

مشهورترین و تأثیرگذارترین نویسندگان تاریخ ادبیات



مدرن که نامش در کنار چهره‌های درخشان ادبیات کلاسیک جهان دیده می‌شود. این جنایی‌نویس آمریکایی که به «دیکنز» نگارش درآورده و از محبوبیت بالایی برخوردار است. آثار

است که نامش در کنار چهره‌های درخشان ادبیات کلاسیک جهان دیده می‌شود. این جنایی‌نویس آمریکایی که به «دیکنز» نگارش درآورده و از محبوبیت بالایی برخوردار است. آثار

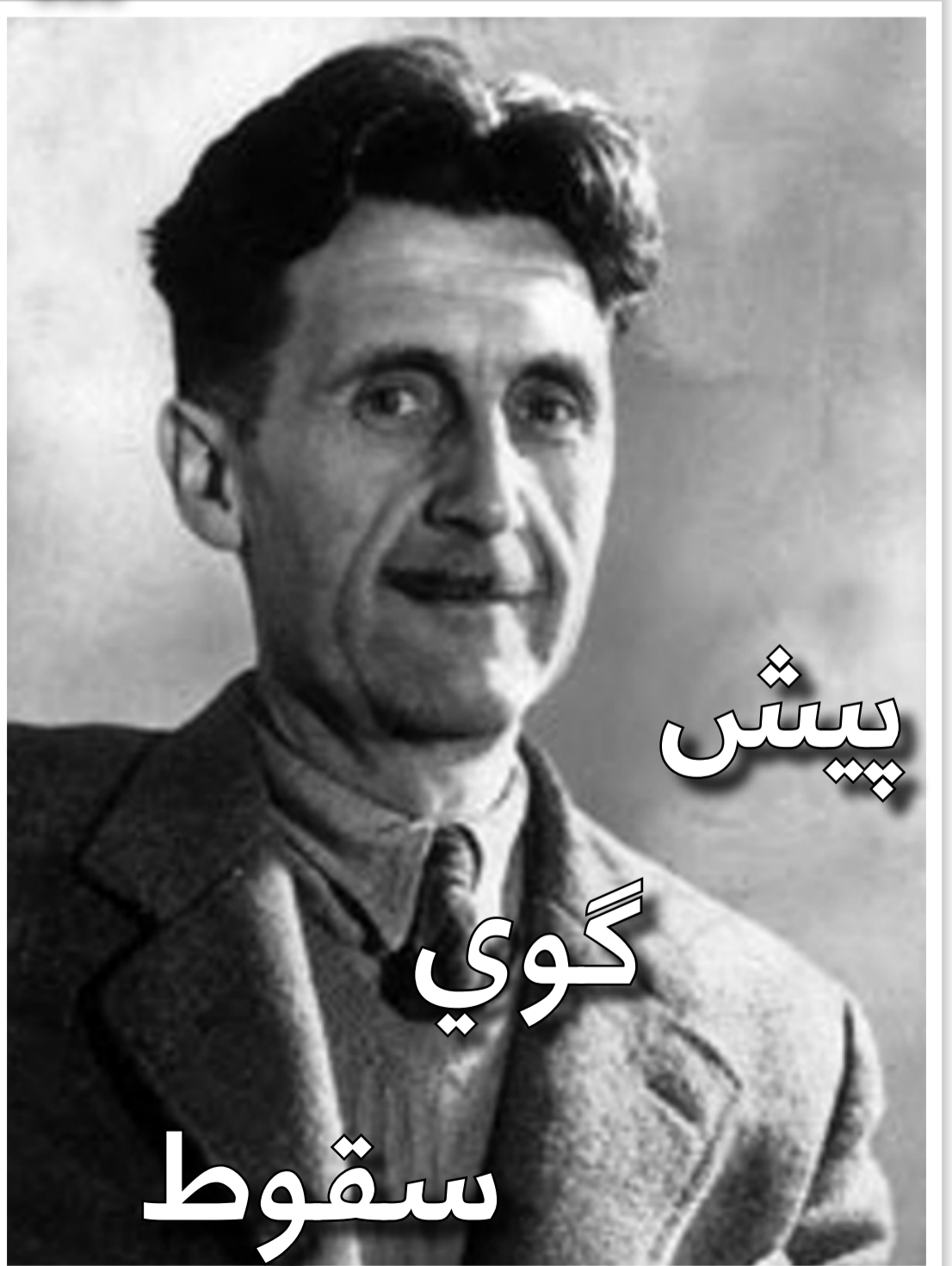
رتبه‌بندی چهره‌های شاخص یک حوزه، همیشه از علائق عموم جامعه بوده است. «گاردین» با بررسی بیش از ۸۰۰ هزار صفحه ویکی‌پدیا و اولویت‌های نتایج ماشین جست‌وجوی «گوگل»، فهرستی از ۵۰ نویسنده بزرگ تاریخ جهان را منتشر کرده که خواندن آن خالی از لطف نیست. روزنامه «گاردین» در گزارشی از مشهورترین و تأثیرگذارترین نویسندگان تاریخ ادبیات جهان نام برده و آن‌ها را به ترتیب در یک فهرست ۵۰ عنوانی قرار داده است. مسلماً برای کتاب‌دوستان جالب است که بدانند کدام‌یک از چهره‌های ادبی، از اهمیت بیشتری برخوردارند و بر اساس اطلاعات آماری، بالاترین میزان جست‌وجو حول محور زندگی و آثار کدام‌یک از نویسندگان مطرح انجام می‌شود. بیشتر نویسندگان این رده‌بندی، انگلیسی و آمریکایی هستند. نکته جالب توجه دیگر مربوط به این تحقیق این است که «امیلی دیکسون» و «جین آستین» تنها زنانی هستند که موفق شده‌اند به این فهرست ۵۰ عنوانی راه پیدا کنند. حدس زدن نام صدرنشین این جدول چندان سخت نیست؛ بی‌شک جز «ویلیام شکسپیر» کسی نمی‌تواند رتبه نخست را در این فهرست به خود اختصاص دهد. پس از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویس و شاعر تاریخ ادبیات انگلیس، نام «چارلز دیکنز» رمان‌نویس کلاسیک آثاری چون «اولیور تویست» و «آرزوهای بزرگ» به چشم می‌خورد. اولین نویسنده آمریکایی که در میان ۵۰ چهره برتر ادبی جهان قرار گرفته، «مارک تواین» نویسنده داستان‌های معروف «تام سایر» و «هاکلبری فین» است. «ادگار آلن پو» و «ولتر» رتبه‌های پنجم و ششم را از آن خود کرده‌اند و پس از آن‌ها «اسکار وایلد»، «ولفگانگ ون گوته» و «دانته الیگیری» قرار دارند. مقام نهم و دهم فهرست ۵۰ نویسنده تأثیرگذار جهان، نصیب «لوییس کارول» خالق رمان به یاد ماندنی «آلیس در سرزمین عجایب» و «هنری دیوید تورو» شده است. نام «جین آستین» به عنوان نخستین زن نویسنده در این فهرست خودنمایی می‌کند. خالق شاهکارهای کلاسیکی چون «اما» و «غرور و تعصب» رتبه یازدهم را دارد و بعد از وی «سموئل جانسون» و «هومر» بزرگ‌ترین شاعر یونانی حماسه «ایلیاد» و «اودیسه» در این رده‌بندی قرار دارند. «لرد بایرن»، «والتر ویتمن»، «جان میلتون»، «جفری چاسر»، «ویرژیل» و «ویلیام وردزورث» رتبه‌های ۱۴ تا ۱۹ جدول ۵۰ شخصیت برتر ادبی جهان را از آن خود کرده‌اند. «استفن کینگ» با کسب رتبه بیستم، اولین نویسنده معاصر

کینگ که در ژانرهای مختلف ادبی نوشته شده‌اند، بارها و بارها دست‌مایه ساخت سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی شده‌اند که از آن میان می‌توان به «امیس سیز»، «رستگاری در شائوشنگ»، «درخشش» و «زیر گنبد» اشاره کرد. نام «امیلی دیکسون» شاعر آمریکایی به عنوان دومین زن این فهرست در رتبه بیست‌ویکم به چشم می‌خورد و «لئو تولستوی» مشهورترین رمان‌نویس کلاسیک روسیه و خالق «جنگ و صلح» پس از وی قرار گرفته است. «ویکتور هوگو» نویسنده «بینوایان» بالاتر از «جورج برنارد شو» نمایشنامه‌نویس بزرگ ایرلندی، مقام بیست‌وسوم را تصاحب کرده است. پس از این دو، «ناتانیل هائورن» خالق «داغ ننگ» و «فئودور داستایوفسکی» نویسنده سرشناس روس و آفریننده آثار مهمی چون «برادران کارامازوف» و «جنایات و مکافات» رتبه‌های ۲۵ و ۲۶ را از آن خود کرده‌اند. «میگول دو سروانتس»، «ارنست همینگوی» نویسنده «پیرمرد و دریا»، «اچ. جی. ولز» و «هرمن ملویل» خالق «موی دیک» در رده‌های ۲۷ تا ۳۰ نشسته‌اند. به گزارش گاردین، نویسندگانی که رتبه‌های ۳۱ تا ۴۰ رده‌بندی «گاردین» را به دست آورده‌اند، به ترتیب عبارت‌اند از: «رودیارد کیپلینگ»، «سوفوکل» تراژدی‌نویس شهیر یونانی، «سموئل تیلر کورلیج» شاعر رمانتیک انگلیسی، «جان کیتس» دیگر شاعر مطرح این دوره، «رابرت برنز»، «پترارک»، «پرسی بیشه شلی» شاعر سرشناس انگلیسی، «جورج اورول» خالق شاهکارهای ماندگار «۱۹۸۴» و «مزرعه حیوانات»، «کریستوفر مارلو» نمایشنامه‌نویس هم‌عصر شکسپیر و «توماس هاردی» آفریننده رمان‌های «تس» و «جود گمنام». نام «ایسکیلوس» یکی از سه تراژدی‌نویس بزرگ یونانی، «جانانان سویفت» خالق «سفرهای گالیور»، «رابیندرانات تاگور» شاعر هندی برنده نوبل ادبیات، «هنریک ایبسن» نمایشنامه‌نویس ایرلندی «خانه عروسک» و «جیمز جویس» در رتبه‌های بعدی ۵۰ نویسنده برتر تاریخ جهان ذکر شده است. پس از خالق رمان‌های «اولیس» و «بیداری فینگان‌ها»، نام «هنری جیمز» و «آریستوفان» به چشم می‌خورد و سرانجام رتبه‌های ۴۸ تا ۵۰ این فهرست، به «الکساندر پوشکین» نویسنده بزرگ روس، «بن جانسون» نمایشنامه‌نویس کلاسیک انگلیسی و «تی. اس. الیوت» شاعر تأثیرگذار انگلیسی و برنده نوبل ادبیات تعلق گرفته است.

شوروی، دغدغه‌های کارگری و مردمی خود را مطرح کند. به همین خاطر از او کتاب‌ها و مقالاتی درباره این دیدگاه باقی مانده است. از جمله کتاب «آس و پاس‌ها در پاریس و لندن». اورول هرچند در جنگ اسپانیا کنار مخالفان فرانکو و علیه او جنگیده بود، اما استقلال فکری خود را حفظ کرد. با این کلیات هیچ‌وقت نمی‌توان او را نویسنده‌ی لیبرال دانست، اما به اردوی چپ شوروی دوست نیز تعلق نداشت. اورول در جنگ اسپانیا زخم برداشت و عوارض این جراحت تا پایان عمرش نیز با او بود. یکی از درخشان‌ترین آثار او نیز به واسطه تجربیاتش در اسپانیا نوشته شد. کتابی سفرنامه‌مانند با نام «کاتولونیا». او در این سفرنامه و خاطره‌نویسی، چه‌گونه‌گی شکست مخالفان فرانکو را مقابل او ترسیم کرده و روایتی از هسپانیای آن روزگار ارائه می‌دهد. اورول زنده‌گی آرامی نداشت و سرک‌کشیدن به نقاط مختلف اروپا، انبوهی تحلیل و یادداشت از او باقی گذارده که برخی‌شان متن‌های درخشانی هستند. ضدیت او با سران سازنده حکومت شوروی در رمان قلعه حیوانات باعث شد تا انبوهی از مخاطبان این رمان به جست‌وجوی مابه‌ازاهای بیرونی‌اش بگردند. شخصیت‌هایی مانند استالین و تروتسکی از جمله سیاست‌مدارانی بودند که در این متن تخریب و هجو شدند. شاید این رمان در این روزگار و از منظر ادبی ارزش چندانی نداشته باشد، اما کنار رمان مهم دیگرش یعنی ۱۹۸۴، از نمادهای مخالفت هستند با توتالیتریزم و شاید یکی از دلایل خوانده‌شدن مداوم این آثار در همین ویژگی نهفته باشد؛ در شرافتی که اورول به عنوان روشن‌فکر در پیش گرفت و خارج از جریان و بی‌محابه‌کاری نوشت. اورول در سال ۱۹۵۰ به طرز مشکوکی درگذشت. برخی‌ها مرگ او را نه به دلیل عارضه ریوی، که خودکشی می‌دانند. او در زمان مرگ ۴۷ ساله بود.

مهدی یزدانی‌خرم

جورج اورول از نویسندگانی است که همواره به عنوان نمادی از ضدیت با حکومت‌های توتالیتر؛ به‌ویژه کمونیستی شناخته می‌شود. بازخوانی آثار این داستان‌نویس و روزنامه‌نگار در حالی که شصت و چهار سال از مرگش می‌گذرد، نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه دو رمان مشهورترش یعنی «قلعه حیوانات» و «۱۹۸۴» مدام با اقبال بیشتری روبه‌رو می‌شوند. اورول در سال ۱۹۰۳ به دنیا آمد و مدتی هم کارمند اداره پولیس در مستعمره انگلستان، یعنی برما بود. اما عمده عمر کوتاه این منتقد دوآتشف کمونیسم، در حال تجربه برای شناخت طبقات فرودست گذشت. جالب این‌که او در سال‌هایی که عملاً با کارگران زنده‌گی می‌کرد نیز مجذوب استالین و بهشت شوروی نشد و در اکثر آثارش از جمله دو رمانی که از آن‌ها نام برده شد، به تخریب و هجو شوروی و سران حکومت‌های کمونیستی پرداخت. اورول رمان سمبولیستی و بسیار تأثیرگذار قلعه حیوانات را در سال ۱۹۴۵ و درست زمانی چاپ کرد که شوروی پیروز در جنگ هم‌پیمان غربی‌ها بود و این جسارت در شرایطی که روس‌ها ابایی از ترور مخالفان‌شان در سطح جهان نداشتند، بی‌نظیر به‌شمار می‌آید. اورول در رمان مهم‌تر ۱۹۸۴، که از نظر زیبایی‌شناسی روایت اثری درخشان‌تر محسوب می‌شود، مدینه فاضله حکومتی توتالیتر را متصور می‌شود که در آن همه انسان‌ها زیر نظر قرار داشته و حکومت با تمام قدرتش ذهن‌ها را تحت انقیاد خود دارد. این رمان بلافاصله به‌عنوان اثری درک شد که ذاتی پیش‌گویانه داشت و به‌سرعت به کتاب‌های ضاله اردوگاه چپ‌ها پیوست. در دیگر آثارش این نویسنده با نقد همه‌جانبه‌یی که از زنده‌گی طبقاتی در اروپا ارائه داد، این مدل را مطرح کرد که نویسنده می‌تواند بدون وابسته‌گی به اردوگاه چپ کمونیستی



پیش

گوی

سقوط



عبدالقیوم کرزی:

دوام نظام کنونی را می خواهیم



ریدادداشت: روزنامه ماندگار به سلسله گفت و گوهایش با نامزدان انتخابات ریاست جمهوری، این بار گفت و گویی را با عبدالقیوم کرزی ترتیب داده که در زیر آن را می خوانید.

سیاس فراوان از این که برای انجام یک گفت و گویی ویژه، وقت تان را در اختیار روزنامه ماندگار قرار دادید. در نخست خوب است مختصری از زنده گی نامۀ تان را برای خواننده گان بیان کنید؟

عبدالقیوم کرزی هستم، در پنج کیلومتری شهر قندهار در قریه کرز به دنیا آمدم، تا صنف ششم در مکتب کرز درس خواندم و بعد از آن نیز در لیسه میرویس نیکه - که بدبختانه این لیسه در زمان طالبان به «ژر مکتب» تغییر نام یافت که تا حال نیز به همین نام یاد می شود؛ و من از بزرگان قندهار می خواهم که نام این مکتب را دوباره «میرویس نیکه» نام گذاری کنند - ادامه تحصیل دادم. بعد از سپری نمودن امتحان کانکور، در فاکولته زراعت کامیاب شدم. در آن سالها دروس دانشکده های زراعت و انجینری پوهنتون کابل، به زبان انگلیسی بود و استادان داخلی و خارجی در آنها درس می دادند و سوپه دانشگاه کابل و استادان داخلی، بسیار خوب بود. بعد از شش ماه درس خواندن در فاکولته زراعت، به پوهنخی قوای هوایی رفتم و در اسکالرشیپی که از امریکا آمده بود، اشتراک کردم. چون زبان انگلیسی را بلد بودم، در امتحانی که گرفته شد، کامیاب شدم و رفتم به یک برنامه پیلوتی دوساله به امریکا، تا در آنجا پیلوت میگ ۲۱ شوم. اما متأسفانه بنا بر بیماری بی که داشتم و برایم دل بدی (تهوع) پیش می آمد، ادامه درس داده نتوانستم و همین بود که از برنامه پیلوتی برآمدم و درس های خود را به گونه شخصی تا مقطع فوق لیسانس در آنجا ادامه دادم. اما بعد از اشغال کشور توسط قوای شوروی و حاکمیت حزب خلق و پرچم، پدرم زندانی شد و نتوانستم دکتورای خود را بگیرم. از این رو در پیشاور شامل نهضت های جهادی شدم و با توانایی و امکاناتی که در اختیار داشتم، در پهلوئی تنظیم ها ایستادم و در فعالیت های آنها شرکت کردم.

پس از آمدن طالبان به افغانستان، شما در کجا و مصروف چه کارهایی بودید؟
شما خبر دارید که پدر من و جناب رییس صاحب

حامد کرزی، بعد از موفقیت طالبان - که در آن زمان به کابل نرسیده بودند و تا آن وقت چنین تلقین شده بود که طالبان عساکر اعلیحضرت ظاهرشاه هستند - از جمله اشخاصی بودند که می خواستند در افغانستان حرکتی شروع شود تا کشور را دوباره به همان چوکات سیاست عنعنیهی گذشته عیار سازد و در چوکات جرگه، میان مردم افغانستان و جریان های سیاسی مصالحه شود که من هم در آن جریان ها شامل بودم.

در پروسه بن، من در بن بودم و در کنفرانس بن، ما در کمیته روم بودیم و بعد از آن در ۲۱ دسمبر سال ۲۰۰۱ زمانی که قدرت از جناب شهید استاد برهان الدین ربانی به رییس صاحب جمهور حامد کرزی انتقال یافت، من در همان روز به کابل آمدم و در پروسه انتقال اشتراک یافتم.

شما به عنوان یکی از همکاران رییس جمهور کرزی و جدای از این که برادرشان هستید، حکومت داری وی را چه گونه ارزیابی می کنید؟

- بنابر واقعیت های موجود سیاسی افغانستان پیش از این پروسه، من این نظام را موفق می دانم و رییس جمهور کرزی را نیز یک رییس جمهور موفق می دانم.

پیش از آغاز کارزارهای انتخاباتی، شما و جمعی از دیگر نامزدان ریاست جمهوری، تفاهم نامه بی را از آدرس کنفرانس اجندای ملی امضا کردید. اهمیت این تفاهم نامه برای شما چیست و بنا بر مفادی که در این تفاهم نامه آمده، آیا در صورت پیروزی تان به عملی کردن و ساختن دولت وحدت ملی می پردازید؟

- در این تفاهم نامه امضای من نیست. ما در جریان شش - هفت ماه تلاش کردیم تا به تفاهم برسیم، در پیوند به تفصیل برنامه و هم چنان این که ما در جریان انتخابات با کدام برنامه و کدام ابزار می توانیم توجه ملت افغانستان را جلب کنیم تا در چارچوب برنامه ها، ملت افغانستان ما را بشناسند، تا صفحه جدیدی را برای مردم افغانستان بگشاییم و کارنامه یی متفاوت داشته باشیم، اصلاحات را بیاوریم و مردم را قانع سازیم که ما را انتخاب کنند تا بالاخره افغانستان را از حالت موجود بیرون آوریم.

البته این را نیز باید بگویم که در ظرف شش - هفت ماه، تأکید ما روی این بود که انتخابات محدود به کابل و در پشت دروازه های بسته نباشد. من

من از تشویش هایی که راجع به انتخابات داشتم، برایش گفتم و از او تقاضا کردم که با هم مساعی کنیم تا حداقل نامزدان محترم تکلیف افغانستان را در برنامه ها و راهکارهای خود مد نظر داشته باشند. ما روی این موضوعات صحبت کردیم که باید در قدم اول، مشکلات حل گردد و اگر پیش از انتخابات هم این مشکلات حل نگردید، باید پس از انتخابات، نامزد برنده خود را به حل مشکلات مکلف بدانند. مهم نیست که چه کسی برنده می شود و در این ارتباط نباید کش مکشی به میان بیاید که در اثر آن، نظام مشروعیت خود را از دست بدهد. ما در همین زمان موافقه کردیم و یک روز در خانه وی با شماری از علما، جوانان و نخبه گان نشستیم و روی اجندای ملی با هم صحبت کردیم.

آیا در این گفت و گوها موضوع اشتراک در یک تکت انتخاباتی و این قبیل حرف ها مطرح نبوده است؟

- در همان سخنانی که داشتیم، روی این موضوعات نیز صحبت شد که به نتیجه یی نرسیدیم.

پیش از این گفتید که نظام فعلی موفق بود و آقای کرزی هم یک رییس جمهور موفق است؛ اما تا جایی که ما می دانیم، شماری از کسانی که در کابینه و دولت هستند، توسط شما به رییس جمهور معرفی شده اند و بر ایند حکومت سیزده ساله آقای کرزی هم این بوده که افغانستان در فساد اداری، مقام اول را در جهان کسب کرده و میزان کشت مواد مخدر هم هر روز بالاتر می رود و امنیت در وضعیت خوبی قرار ندارد. با این همه چرا شما خوش بین هستید و همه چیز را مطلوب می دانید؟

- نخیر، من همه چیز را مطلوب نمی دانم؛ اما در مقایسه با گذشته و حکومت هایی که در سه یا چهار دهه در کشور وجود داشته اند، نظام فعلی موفق بوده است، ولی در این نیز هیچ جای شک نیست که این نظام به اصلاحات نیاز دارد؛ اصلاً دموکراسی خود به صفت یک نظام همیشه اصلاح پذیر است و همیشه توقعات مردم به گونه تدریجی از حکومت بالا می رود و حکومت باید در این زمینه پاسخ گو باشد. در بعضی موارد حکومت بسیار موفقانه عمل کرده و در بعضی موارد نه. باید گفت زمانی که طالبان سقوط کردند و جامعه بین المللی به افغانستان آمد، به گونه شایسته در کشور کار صورت نگرفت. من در این زمینه حوصله مندی رییس صاحب جمهور و تأکیدش روی یک جا شدن تمام مردم افغانستان و روی دست گیری یک پروسه بسیار دشوار در این سیزده سال را به صفت برادر نه، بلکه به صفت یک شهروند افغانستان به دیده قدر می نگرم.

نقش شما در حکومت داری آقای کرزی تا چه پیمانانه بود؟

- شما پیش از این گفتید که شماری از چهره ها توسط من به کابینه معرفی شده اند که این درست نیست. کسانی را که من می شناختم، رییس صاحب جمهور نیز با آنها آشنایی داشتم. در مجلسی که با رییس صاحب می بودم، با هم صحبت می کردیم و اگر تصادفاً من نام کسی را برده باشم و او وزیر شده باشد، امکان دارد؛ ولی به گونه یی که من آمده باشم و گفته باشم که فلان نفر باید وزیر شود، چنین نشده است.

من در هیچ تصمیم رییس جمهور دخالت نکرده ام و در طول سیزده سال حکومت، شاید من سه بار تنها به خاطر مبارک باد گویی به وزارت داخله رفته باشم و جدای از این، من به هیچ وزارت خانه یی برای کدام کار و یا مداخله مراجعه نکرده ام.

یک انتقاد که پیش از آغاز کارزارهای انتخاباتی و بعد از آن مطرح شده و در شبکه های اجتماعی نیز بازتاب بسیار یافته، این بوده که در تکت انتخاباتی شما جایگاه تاجیک ها لحاظ نشده است. متأسفانه مقایسه قومی، امروزه در افغانستان به یک بیماری تبدیل شده و این مورد را بسیاری ها مهم می شمارند. در حکومت داری تان چه طور می توانید این خلا را پر کنید؟

ادامه صفحه ۷

چهار نامزد ریاست...

سیاف، استفاده شده و کار کمپاین نبوده است. جریمه نقدی کمیسیون شکایات انتخاباتی، اشرف احمدزی را پنجاه هزار افغانی جریمه کرده است. بر اساس شکایتی که به کمیسیون شکایات انتخاباتی رسیده، اشرف غنی احمدزی دو موتر زره دولتی را در کمپاین‌های خود استفاده می‌کند. آقای سعادت گفت: «داکتر اشرف غنی احمدزی از زمانی که داکتر صاحب خود را رسماً کاندید می‌کند، رسماً مسوول پروسه انتقال نیست و باید زود موترها را تسلیم نظام می‌کرد.»

اما حمیدالله فاروقی، یکی از سخنگویان کمپاین اشرف غنی احمدزی گفت که این موترها به منظور تامین امنیت آقای احمدزی استفاده می‌شود. فاروقی گفت که استفاده از این موترها برای تامین امنیت آقای احمدزی رسماً از سوی نهادهای حکومتی تایید شده اند.

دلیل این که کمیسیون شکایات انتخاباتی آقای احمدزی را پنجاه هزار افغانی جریمه کرده، این است که این موترها از زمان آغاز ثبت نام نامزدان از سوی آقای احمدزی استفاده شده اند؛ در حالی که سایر نامزدان از

تفاوت دو خروج...

«واقعاً در مورد این که چه گونه ما نخست مجبور به جنگ شدیم و ما چه گونه جنگیدم، هیچ شباهتی نیست؛ و اینکه ایالات متحده به حیث بخشی از ایتلاف چه گونه پنج سال را در روند تدریجی کاهش نیروها در افغانستان سپری کرد.»

اوهانلون می‌افزاید: «اما نیروهای شوروی در یک نقطه زمانی تصمیم گرفتند که بازنده جنگ استند و افغانستان را ترک کردند.»

افغانستان امروز و دیروز

احمد مجیدیار، پژوهشگر در انستیتوت امریکن انترپرایز در واشنگتن می‌گوید که افغانستان بعد از ترک نیروهای شوروی، صدمه شدیدی از جنگ داخلی دید؛ اما در مقایسه به ۲۵ سال پیش، امروز افغانستان در وضعیت بسیار بهتری قرار دارد.

آقای مجیدیار می‌گوید: «این اولین باری است که افغان‌ها حکومتی منتخب دارند حال آن‌که در زمان شوروی، رهبران افغانستان از سوی کرملین منصوب می‌شدند. تفاوت مهم دوم این است که شورش در افغانستان در مقایسه با زمان مجاهدین در دهه ۸۰ میلادی بسیار محدودتر است.»

این پژوهشگر در واشنگتن می‌افزاید که اکنون کم از کم ۲۰ تا ۲۵ هزار جنگجوی فعال طالبان وجود دارد؛ اما در دهه ۸۰ میلادی شمار مجاهدین از ۱۰۰ هزار تن تجاوز می‌کرد.

مایکل اوهانلون به این باور است که جهان درس بسیار مهمی از زمان خروج شوروی از افغانستان

به طرح اجندای ملی...

این دوره‌ها) افتخار می‌کنم. به همین خاطر، خواستم با رضایت خاطر چند لحظه‌یی در حضور شما صحبت کنم. هر محفل و مجلسی که در هر گوشه‌یی از افغانستان در پیوند به عزت و سلامت افغانستان برگزار می‌شود، مدیون جان‌فشانی و شهادت مجاهدین و دفاع مقدس مردم افغانستان و به‌ویژه قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود است که بنده با قاطعیت تمام معتقد بدین امر هستم و با شناخت عمیقی که از شخصیت اعتقادی و ملی احمدشاه مسعود داشتم، باور دارم که او در حشر با شهدای صدر اسلام، محشور خواهد شد.

دوستان نهایت عزیز و گرانقدر!

افغانستان امروز سرزمین رقابت منافع کشورهای دور و نزدیک قرار گرفته است؛ اما در این بازی منافع، بازی‌گران افغانستان به علت فقدان سی و چند ساله حاکمیت ملی و زعامت ملی در کشور، قربانی منافع احزاب و سمت‌ها شده است؛ تا وقتی که افغانستان در محوریت یک زعامت ملی و تثبیت حاکمیت ملی قرار نگیرد و افغانستان از چنبره ملی تیکه‌داران قومی و مذهبی نجات پیدا نکند، این پروسه نامیمون ادامه خواهد داشت.

دیوید استون به عنوان یکی از رهبران مکتب کارکردگرایی و سیستم‌سازی در عرصه سیاست معتقد است، هر کشوری بعد از بحران به سوی نظام سازی و نظام شدن به پیش می‌رود؛ با سه مرحله اساسی را طی کند:

این سهولت برخوردار نبوده اند. آقای سعادت گفت: «این موترها از زمان ثبت نام [...] از این موترها استفاده کرده است.»

کمیسیون شکایات انتخاباتی داوود سلطان زوی نامزد دیگر انتخابات را به لوی سارنوالی معرفی کرد. مسوولان این کمیسیون گفتند که آقای سلطان‌زوی با خبرنگاران تلویزیون «کابل نیوز» برخورد غیرقانونی کرده است.

ویدیویی که در اختیار کمیسیون شکایات انتخاباتی قرار گرفته، نشان می‌دهد که آقای سلطان زوی پس از مصاحبه با «کابل نیوز»، با استفاده از زور نوار ویدیویی ثبت شده را دوباره گرفته است. این کار آقای سلطان زوی واکنش اتحادیه‌های خبرنگاری را نیز در پی داشت.

اما آقای سلطان زوی گفته است که خبرنگاران «کابل نیوز» در مورد حریم خصوصی‌اش از او پرسیده اند که براساس قانون رسانه‌ها، آنها حق ندارند حریم خصوصی افراد را نقض کنند.

بر اساس اظهارات مسوولان کمیسیون شکایات انتخاباتی، شکایتی دریافت شده که یکی از معلمین از وسایل مکتب به نفع عبدالرحیم وردک استفاده می‌کند؛ اما به دلیل عدم حضور فیزیکی شکایت کننده، این شکایت معتبر خوانده نشد.

آموخته است.

اوهانلون می‌گوید: « فکر می‌کنم درس نخستی که ایالات متحده آموخت، حادثه یازده سپتمبر بود؛ درسی بود که ما نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم و افغانستان را ترک شده باقی بگذاریم. به خاطری که بعد از شکست نیروهای شوروی، ما به طور اساسی طی دهه ۹۰ میلادی توجه خود را به افغانستان توقف دادیم، ایالات متحده به طور اساسی افغانستان را نادیده گرفت و اجازه داد که آن کشور به جنگ فرقه‌یی، هرج و مرج فرورفته و بعد هم به ظهور طالبان و پناهگاه‌های آنان منجر شود.»

نقش مردم افغانستان

اما مجیدیار می‌گوید درحالی که تعهد جامعه بین‌المللی در کمک به حکومت افغانستان باقی است، مردم افغانستان باید برای نجات ساختار سیاسی موجود شان متحد باشند.

آقای مجیدیار می‌افزاید: «طالبان منابعی برای انسجام مجدد در تسخیر دوباره کابل ندارد. بنابراین، تهدید واقعی از تهاجم نظامی طالبان بعد از خروج ناتو نیست، بلکه تهدید از ناپایداری نهادهای افغان است.»

برخی کارشناسان به این باور اند که هیچ شباهتی بین خروج ۲۵ سال قبل سربازان شوروی از افغانستان و خروج امروز سربازان ایالات متحده وجود ندارد، اما در عین حال به این نظر توافق دارند که جهان نمی‌تواند اجازه دهد افغانستان دوباره به پناهگاه دهشت‌افگنان مبدل شود.

- ۱- نفی استبداد و مطلق گرایی.
 - ۲- ایجاد حکومت مبتنی بر مؤلفه‌های دموکراتیک.
 - ۳- نهادینه کردن مؤلفه‌های دموکراسی در کشور و این موضوع تحقق نخواهد یافت مگر این که دو شرط عمده عملی گردد.
 - یک- عزم و اراده ملی
 - دو- ایتار و از خود گذری منابع مشروعیت‌زا در کشور.
- این دانشمند معتقد است که در هر کشور و به‌ویژه در کشورهای سنتی چهار منبع مشروعیت وجود دارد.
- مشروعیت سنتی
مشروعیت کاریزماتیک
مشروعیت احزاب و جریان‌های سیاسی
مشروعیت اقتصادی

هیچ‌گاه یک نظامی که بتواند چالش‌های اجتماعی را ختم کند، به‌وجود نخواهد آمد، مگر این‌که ایتار و از خود گذری در منابع مشروعیت‌زا که در بالا از آن یادآوری کردم، به‌وجود نیاید.

امروز متأسفانه ما به سویی روان هستیم که در هر قدم و مرحله‌یی که پیش می‌رویم، بازهم افق تاریک در مقابل دیدگان مردم ما قرار می‌گیرد و راه حل این است که همین آجندای مهم و بزرگی را که احمدولی مسعود ارایه کرده اند، ما هم به نوبه خود با یک دید علمی و ملی ارج گذاریم. امیدوار هستیم تا در این عرصه، موفقیت‌های بیشتر نصیب جناب آقای احمد ولی مسعود گردد.

دوام نظام کنونی را...

اول باید ما به صفت یک شهروند در هر موردی که مطرح می‌شود، خود را از این چارچوب‌های کوچک بیرون بکشیم و روی آن فکر نکنیم و به صفت یک شهروند این کشور باید زنده‌گی کنیم. اگر در یک خانه یک چوکی باشد، بیست نفر نمی‌تواند روی آن بنشینند، بلکه یک نفر می‌تواند. در خانواده خود ما هیچ‌وقت در چارچوب قوم‌گرایی زنده‌گی نکرده‌ایم و قوم‌گرایی و قوم‌ستیزی کاملاً دفن شده است. از نقطه نظر فکری، شمار زیادی از هموطنان ازبک، تاجیک و... با من استند. خدا کند در آینده روشن‌فکران، قلم‌به‌دستان و مطبوعات ما دیگر روی این معیارها سنجش نکنند، بل از عمل‌کرد و شواهد باید تقدیر شود؛ در غیر آن ما موجی را خلق خواهیم کرد که جایی برای سعادت و خوشبختی ندارد.

نگرانی از این‌جا نشأت گرفته است که سیزده سال حکومت‌داری آقای کرزی بحث قومی را با خود حمل کرده، مثلاً در ترکیب رییس‌جمهور و معاونین‌شان و در ترکیب کابینه، پارلمان و حتا نهادهای امنیتی، بحث قومی جدی گرفته شده است. در این‌جا به یک‌باره این پرسش مطرح می‌شود که چرا در تکت شما این سنت لحاظ نشده؟

– سیزده سال گذشته، یک دوره استثنایی بود؛ اما اگر بخواهیم که وطن ما از قرن هژده و نوزده به قرن بیست‌ویک بیاید، بهتر است که وحدت ملی را بهتر تأمین کنیم. اگر بخواهیم که یک مسجد بزرگ که نظیر آن در جهان نباشد را بسازیم، نباید مهم باشد که در بدخشان، قندهار، هرات و... ساخته می‌شود، بل مهم این باید باشد که در افغانستان ساخته می‌شود و این هم مطرح نباشد که مهندس آن کیست؛ هندوست، پشتون است و یا تاجیک!

من به این عقیده هستم که در هیچ منطقی و به‌ویژه در منطق جهانی که به طرف مدنیت روان است، این موارد مطرح نیستند و باید ما به دنبال کیفیت زنده‌گی برای مردم باشیم؛ مهم نیست این کیفیت و سهولت را تاجیک می‌آورد یا پشتون یا ازبک و...! باید به طرف مدنی شدن برویم و با استفاده از ابزار مدنی، وطن خود را از این حالت بیرون آوریم.

اندکی روی روابط خارجی‌تان صحبت کنید و بگویید در حکومت شما روابط خارجی بر بنیاد کدام اولویت‌ها تعیین می‌گردد؟

– باید بگویم که ما می‌خواهیم که در طرز روابط افغانستان با دنیای دیگر، یک تحول و تغییر بسیار عمده را وارد سازیم. ما نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم که در این مرحله حساس از تاریخ افغانستان، دیپلماسی را برای دیپلماسی انجام دهیم. سیاست ما تنها در خدمت یک دیپلماسی بی‌رابطه و روی شعار و احساسات نخواهد بود؛ ما می‌خواهیم مناسبات خارجی خود را مقید به پیشرفت اقتصادی کنیم و آرزو داریم که افغانستان به مانند یک پُل میان دنیا، همسایه‌ها، کشورهای منطقه و آسیای مرکزی عمل کند. من می‌خواهم روابط ما با کشورهای خارجی، در محور منافع اقتصادی استوار باشد و با پیشرفت اقتصادی، عامل صلح در جهان باشیم. در کشورهای دیگر می‌بینیم که روابط اقتصادی و فرهنگی همه مسایل را زیر تأثیر گرفته و آن‌ها در یک فضای صلح و همزیستی به‌سر می‌برند؛ من هیچ دلیلی نمی‌بینم تا ما هم چنین روابطی را با کشورهای دنیا نداشته باشیم.

مسلماً در تعامل خارجی شما، بحث پاکستان نیز مطرح می‌شود. این کشور در چند دهه گذشته، یکی از عوامل مشکلات در افغانستان شناخته شده است. به نظر شما، پاکستان از افغانستان چه می‌خواهد و دیپلماسی شما در برابر پاکستان چه گونه است؟

– جنگ جور کردن در خانه همسایه، آتش زدن به خانه خود است. پس ما از همسایه‌های خود می‌خواهیم تا با احترام متقابل به حاکمیت ملی یکدیگر، مناسبات مدنی و سازنده را اختیار کنند تا سطح زنده‌گی تمام مردمان منطقه در عرصه‌های مختلف بلند برود و یقیناً این راه، راه سعادت است.

من از درک این موضوع بسیار عاجز هستم و نمی‌دانم که در این حالتی که در افغانستان و پاکستان است، چه نفعی وجود دارد.

به گونه فشرده بگویید که دیدگاه شما در مورد خط مرزی دیورند چیست؟

– خط دیورند به نظر من، یکی از مواردی است که باید روی آن عجزولانه کار نکرد. فکر می‌کنم که این، یک سرحد اجتماعی است و فامیل‌هایی استند که به دو جای تقسیم شده‌اند؛ یکی به آن‌طرف خط است و دیگری هم به این‌طرف خط، ولی روزانه با هم تماس دارند و زنده‌گی خود را پیش می‌برند. همه می‌دانیم که با گذشت زمان، تکنالوژی سرحدات را از میان برداشته و این مورد دیگر مطرح نیست. ما باید در چارچوب‌های مدنی یک‌دیگر را بپذیریم و این مسأله را حل‌وفصل کنیم.

پاسخ شما تا اندازه‌یی مهم بود، از این‌رو می‌خواهم این گونه پرسیم که آیا شما معتقد به پذیرش دیورند به شکل امروزی آن هستید و اگر نپذیرید و به نفع پاکستان این قضیه فیصله نشود، آیا این کشور دست از سر افغانستان برخواهد داشت؟

– من واقعاً در هیچ چهارچوبی چنین فکری را نمی‌کنم که برای پاکستان سرنوشت کنونی خط دیورند چه صدمه‌یی می‌رساند و چه منفعتی را از آن به‌دست می‌آورد. تا وقتی که ما فکرها را تغییر ندهیم، هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. تغییر کوه و خط هیچ تأثیری ندارد؛ چون این موارد نه نانی به ما می‌دهد و نه هم آبی. فکر می‌کنم این نوع فکر کردن، زاده سیاست‌ها و دیپلماسی‌های کهنه است.

به‌طور فشرده، رئوس برنامه اقتصادی‌تان برای آینده افغانستان را تشریح کنید؟

– در این هیچ شکی نیست که باید یک مبارزه بسیار شدید و دقیق را در مقابل فساد آغاز کنیم و فساد را کنترل کنیم. باید این را بپذیریم که حکومت ثروت‌ساز نیست و ثروت را خلق نمی‌کند.

حکومت ما باید همه برنامه‌های خود را برای ملت سهولت‌آفرین بسازد نه مانع‌آفرین. از همه مهم این‌است که ما یک چارچوب برای قوانین تجارتی و اقتصادی به‌وجود آوریم تا اعتماد مردم جهان را در پیوند به کشور خود جلب کنیم. ما باید قانون‌مندی داشته باشیم و زمانی که یک قرارداد بسته می‌شود، کسی نگوید که آن را قبول نداریم.

ما تلاش می‌کنیم که برای نهادهای اقتصادی کار کنیم. اگر ما روی سکتور زراعتی کوشش کنیم، می‌تواند نقش مهمی را در تجارت ما داشته باشد. روی معادن به گونه‌یی کار باید کنیم که ضایعات بسیار نداشته باشیم. برنامه ما زیادتر روی منافع همه‌جانبه فکر می‌کند.

به این ترتیب، ما می‌خواهیم در این چارچوب اقتصاد را محور سیاست بسازیم تا به ترقی و سعادت برسیم.

به عنوان آخرین پرسش، بگویید در میان یازده نامزد ریاست‌جمهوری، با کی و یا کی‌ها رقابت دارید؟

– من در فعالیت‌های خود بسیار جدی هستم. همه نامزدان، آشنایان و دوستان من هستند و بسیار خوشحالم که با تنوع نظریات و در یک رقابت مدنی، با هم مبارزه می‌کنیم و خوب است همه بدانیم کی با چه برنامه‌یی مبارزه می‌کند.

Mandegar



چند نکته از کتاب خط مشی عبدالقیوم کرزى در عرصه‌ی انکشاف اقتصادى

پالیسی اقتصادى تیم انتخاباتى عبدالقیوم کرزى برای پنج سال آینده‌ی افغانستان، بر اساس همکاری جدی و دقیق بین حکومت و سکتور خصوصى طرح شده است که به نام اقتصاد رهنمایى شده‌ی بازار آزاد نامیده می‌شود. این پالیسی اقتصادى که زمینه ایجاد کار برای میلیون‌ها تن فراهم می‌کند، قرار ذیل است:

- ۱- تولید برق از منابع داخلی: چون آب، ذغال سنگ، گاز و آفتاب.
- ۲- انکشاف و توسعه‌ی زراعت از طریق توزیع زمین‌های دولتی به دهقانان، آبرسانی به زمین‌های لامزروع، فراهم کردن زمین‌های قرضه‌های حسنه‌ی طویل‌المدت برای خریداری تخم اصلاح شده‌ی زراعتی، دواهای ضد آفات و پمپ‌های سولر به دهقانان.
- ۳- ساختمان خطوط آهن و اعمار مجدد و توسعه‌ی شاهراه‌ها.
- ۴- استخراج معادن از طریق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خارجی.
- ۵- توسعه‌ی متوازن خانه‌سازی.

عبدالقیوم کرزى

ستاد انتخاباتی عبدالقیوم کرزى



اصلاح تداوم و صلاح

تاکتیزه شمېره
تاکتیزه نېټه
شماره انتخاباتی
نشان انتخاباتی

دانشگاه ملی زراعت در قندهار گشایش یافت



نخستین دانشگاه ملی زراعت کشور روز شنبه از سوی رییس‌جمهور کرزى و سلمان خورشید، وزیر امور خارجه هند در قندهار گشایش یافت. این دانشگاه چهار و نیم میلیون دالر هزینه برداشته و از سوی هندوستان پرداخته شده است. وزیر امور خارجه هند گفته است که قرار است در سه سال آینده این دانشگاه در بخش فن آوری مجهز شود. با بهره برداری نخستین دانشگاه ملی کشاورزی و فناوری در ولایت قندهار که با کمک هند ساخته شده است، قرار است شماری از متخصصین بخش کشاورزی هند نیز در این دانشگاه در بخش آموزش کار کنند.

رییس‌جمهور ساخت این دانشگاه را برای بهبود وضعیت کشاورزی در کشور به ویژه در ولایت قندهار، بسیار سودمند می‌داند. وی گفته است: «این مرکز ملی یک مرکز قانونی است و این مرکز برای تمام افغانستان است که مرکزش در قندهار و ریشه‌هایش در تمام افغانستان خواهد بود و در این‌جا متخصصین آموزش خواهند دید به ویژه این جوانان که در این‌جا نشسته اند، ماستری شان را از آموزگاران هندی و افغانی بدست خواهند آورد.» در همین حال، وزیر خارجه هند گفته است که افغانستان برای هند بسیار مهم است و این کشور برای بهبود کشاورزی در افغانستان کمک‌های بیشتر

خواهند کرد. سلمان خورشید گفته است: «آقای رییس‌جمهور یک افغانستان توانمند، مستقل با اقتصاد مرفح در اولویت‌های ستراتیژی ماست و یک بخش مهم از همکاری‌های دوجانبه ما، همکاری‌ها در بخش کشاورزی است و ساخت این دانشگاه کشاورزی به مثابه همکاری‌های مهم ما برای رشد کشاورزی است و ما در این بخش به کمک‌های مان ادامه می‌دهیم.» وی می‌افزاید که تلاش می‌شود تا برای رشد اقتصادی کشور شماری از پروژه‌های مهم دیگر را نیز در افغانستان عملی سازند. این نخستین سفر کرزى پس از کشته شدن برادرش، احمد ولی کرزى در ماه سال ۲۰۱۱ میلادی، می‌باشد. گفتنی است که در این سفر کرزى را مقام‌های دولتی به شمول وزیر زراعت و آبیاری، محمد آصف رحیمی، نیز همراهی می‌کنند.

در نشست سه جانبه

بر انتقال آرام قدرت تأکید شد



پاکستان، افغانستان و ترکیه در پی نشست سه‌جانبه خود در انقره در بیانیه مشترکی از جامعه بین‌الملل خواستند تا از فرایند صلح افغانستان به رهبری مردم این کشور حمایت کنند.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس پاکستان، سه کشور پاکستان، افغانستان و ترکیه ضمن تأکید بر عزم مشترک خود برای مبارزه با تروریسم در هر شکل و نوع آن، بر اهمیت راه‌حل سیاسی تأکید کرده و از طالبان خواستند به فرایند صلح بپیوندند.

بر اساس بیانیه مشترک، این نشست موسوم به هشتمین نشست سه‌جانبه مشترک سه کشور در انقره بر اهمیت یک راه‌حل سیاسی در چارچوب قانون اساسی افغانستان به منظور تضمین صلح پایدار در این کشور تأکید کرد.

در این نشست در شهر انقره نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، حامد کرزى، رییس‌جمهوری افغانستان، عبدالله گل، رییس‌جمهوری ترکیه و همچنین رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه حضور پیدا کردند. وزرای امور خارجه هر سه کشور نیز این رهبران را همراهی می‌کردند.

در جریان نشست انقره، مذاکراتی جامع و ثمربخش در خصوص مسایل مربوط به امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای انجام شد. بیانیه پایانی این نشست عنوان داشت: این مذاکرات در زمانی انجام شدند که قلب آسیا در حال طی یک دوران تعیین‌کننده برای آینده آن بوده و تحولات چشمگیری که بر ارتقای صلح و امنیت در منطقه تأثیرگذار خواهد بود، قرار است رخ دهد.

این بیانیه بر اهمیت تداوم فرایند انتخابات در افغانستان برای رسیدن به یک انتقال آرام قدرت و موفق در این کشور تأکید کرد و در این خصوص، ایجاد یک محیط امنیتی مناسب را ضروری دانست.

این سه کشور همچنین از جامعه بین‌المللی خواستند تا به کمک‌هایشان در جهت حمایت از فرایند صلح افغانستان از جمله تمرکز بر ارتقای هر چه بیشتر نیروهای امنیتی ملی افغانستان ادامه دهند. این مذاکرات همچنین بر اهمیت ارتقای همکاری میان افغانستان و پاکستان به عنوان دو کشور نزدیک و لزوم اقدامات عملی در حمایت از فرایند صلح و آشتی افغانستان و تقویت محیط امنیتی لازم برای انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای ولایتی افغانستان تأکید کرد. این سه رهبر همچنین ارتقای همکاری نزدیک میان افغانستان و پاکستان به منظور مدیریت امور مرزی را لازم دانسته و از عزم مشترک خود برای مبارزه با تروریسم به هر شکل و نوع آن خبر داده‌اند. این اجلاس همچنین از تصمیم پاکستان به عنوان تمدید مدت اقامت پناهنده‌گان مجاز افغانستان در پاکستان تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ استقبال کرد و از جامعه بین‌الملل خواست به بازگشت پناهنده‌گان افغان به کشورشان کمک کند.